



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

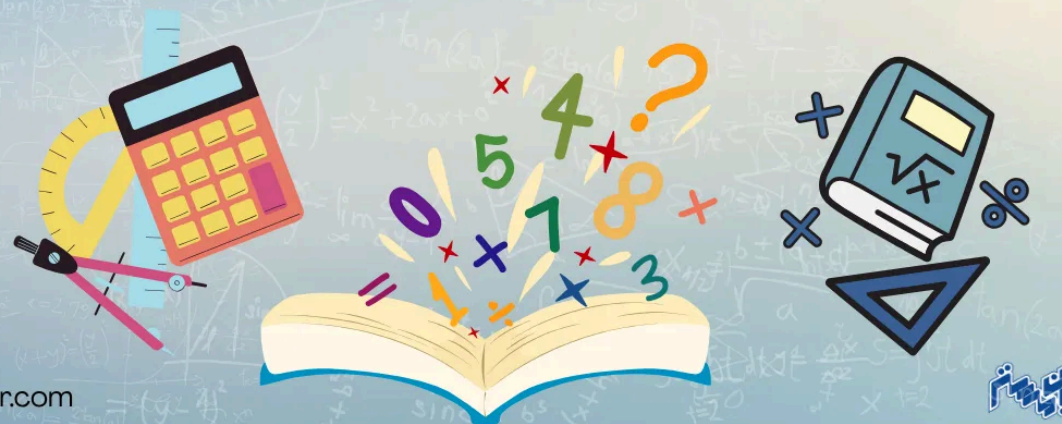
اصطلاحات ریاضی به انگلیسی + مثال و ترجمه

🕒 ۱۴۰۵/۰۳/۰۴ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی © ۱۷۱ بازدید

اصطلاحات ریاضی به انگلیسی

Mathematical Terms in English

+ مثال و ترجمه



zabanmaster.com



اصطلاحات ریاضی به انگلیسی فقط برای دانش‌آموزها یا دانشجویها نیست؛ در کلاس، آزمون، ویدیوهای آموزشی و حتی مکالمات روزمره هم زیاد با آنها روبه‌رو می‌شویم. اگر معنی کلماتی مثل جمع، تفریق، مساحت، قطر، کسر، معادله و علامت‌های ریاضی را به انگلیسی بدانید، فهمیدن سوال‌ها و توضیح دادن جواب‌ها خیلی راحت‌تر می‌شود. در این مقاله از بلاگ [آموزش زبان انگلیسی](#) زبان مستر، مهم‌ترین اصطلاحات ریاضی به انگلیسی را همراه با معنی، مثال کاربردی و ترجمه فارسی یاد می‌گیریم.

موضوعات این مقاله

- ۱ ریاضی به انگلیسی چه می‌شود؟
- ۲ عملیات اصلی ریاضی به انگلیسی
- ۳ علامت‌های ریاضی به انگلیسی
- ۴ اعداد و انواع عددها در انگلیسی ریاضی
- ۵ کسر، اعشار و درصد به انگلیسی
- ۶ توان، ریشه و عبارت‌های جبری به انگلیسی
- ۷ اصطلاحات هندسه به انگلیسی
- ۸ فرمول‌های ریاضی به انگلیسی و نحوه خواندن آن‌ها
- ۹ مسئله ریاضی به انگلیسی
- ۱۰ آمار و احتمال به انگلیسی
- ۱۱ نمودار، محور و تابع به انگلیسی
- ۱۲ اصطلاحات پیشرفته‌تر ریاضی به انگلیسی
- ۱۳ افعال پرکاربرد ریاضی به انگلیسی
- ۱۴ جمله‌های کاربردی انگلیسی در کلاس ریاضی
- ۱۵ جمع بندی
- ۱۶ سوالات متداول

ریاضی به انگلیسی چه می‌شود؟

رایج‌ترین معادل «ریاضی» در انگلیسی **math** است. البته در انگلیسی بریتانیایی بیشتر از **maths** استفاده می‌شود. اگر بخواهیم رسمی‌تر صحبت کنیم، می‌توانیم از **mathematics** استفاده کنیم.

math

ریاضی؛ بیشتر در انگلیسی آمریکایی

I'm not very good at **math**.

من در ریاضی خیلی خوب نیستم.

maths

ریاضی؛ بیشتر در انگلیسی بریتانیایی

She teaches **maths** at a secondary school.

او در یک مدرسه متوسطه ریاضی تدریس می‌کند.

mathematics

ریاضیات؛ شکل رسمی‌تر

Mathematics is useful in many jobs.

ریاضیات در خیلی از شغل‌ها کاربرد دارد.

arithmetic

حساب؛ محاسبات پایه

Children learn basic **arithmetic** at school.

بچه‌ها در مدرسه حساب پایه یاد می‌گیرند.

math class

کلاس ریاضی

We have **math class** after lunch.

بعد از نهار کلاس ریاضی داریم.

math lesson

درس ریاضی

Today's **math lesson** was about fractions.

درس ریاضی امروز درباره کسرها بود.

math teacher

معلم ریاضی

My **math teacher** explains everything clearly.

معلم ریاضی من همه چیز را واضح توضیح می دهد.

math homework

تکلیف ریاضی

I still have to finish my **math homework**.

هنوز باید تکلیف ریاضی ام را تمام کنم.

math problem

مسئله ریاضی

This **math problem** is harder than it looks.

این مسئله ریاضی سخت تر از چیزی است که به نظر می رسد.

نکته مهم: انگلیسی آمریکایی معمولاً می گویند **math**، اما در انگلیسی بریتانیایی رایج تر است که بگویند **maths**.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات مدرسه به انگلیسی

عملیات اصلی ریاضی به انگلیسی

چهار عمل اصلی ریاضی یعنی جمع، تفریق، ضرب و تقسیم از پایه‌ای‌ترین اصطلاحات ریاضی به انگلیسی هستند. نکته مهم این است که در انگلیسی برای هر عمل، هم اسم داریم، هم فعل، هم روش خواندن عبارت ریاضی.

جمع به انگلیسی

addition

جمع

We learned **addition** in first grade.

ما جمع را در کلاس اول یاد گرفتیم.

add

جمع کردن

Add these two numbers together.

این دو عدد را با هم جمع کن.

plus

به علاوه

Two **plus** three equals five.

دو به علاوه سه می شود پنج.

total

مجموع

What's the **total** of these numbers?

مجموع این عددها چقدر است؟

sum

حاصل جمع

The **sum** of ۸ and ۴ is ۱۲.

حاصل جمع ۸ و ۴ می شود ۱۲.

یک مثال کاربردی:

$$4 + 6 = 10$$

Four **plus** six **equals** ten.

چهار به علاوه شش مساوی است با ده.

تفریق به انگلیسی

subtraction

تفریق

Subtraction is the opposite of addition.

تفریق نقطه مقابل جمع است.

subtract

کم کردن؛ تفریق کردن

Subtract ۵ from ۱۲.

۵ را از ۱۲ کم کن.

minus

منهای

Ten **minus** three equals seven.

ده منهای سه می شود هفت.

difference

اختلاف؛ حاصل تفریق

The **difference** between ۲۰ and ۸ is ۱۲.

اختلاف بین ۲۰ و ۸ برابر با ۱۲ است.

مثلاً:

$$۱۵ - ۹ = ۶$$

Fifteen **minus** nine equals six.

پانزده منهای نه مساوی است با شش.

ضرب به انگلیسی

multiplication

ضرب

Multiplication helps you calculate faster.

ضرب کمک می‌کند سریع‌تر محاسبه کنی.

multiply

ضرب کردن

Multiply ۶ by ۴.

۶ را در ۴ ضرب کن.

times

ضربدر

Five **times** two is ten.

پنج ضربدر دو می‌شود ده.

product

حاصل ضرب

The **product** of ۳ and ۷ is ۲۱.

حاصل ضرب ۳ و ۷ برابر با ۲۱ است.

مثال:

$$۷ \times ۸ = ۵۶$$

Seven **times** eight **equals** fifty-six.

هفت ضربدر هشت مساوی است با پنجاه و شش.

تقسیم به انگلیسی

division

تقسیم

Division can be tricky at first.

تقسیم در ابتدا می تواند کمی سخت باشد.

divide

تقسیم کردن

Divide ۲۰ by ۵.

۲۰ را بر ۵ تقسیم کن.

divided by

تقسیم بر

Twenty **divided by** five equals four.

بیست تقسیم بر پنج می شود چهار.

quotient

خارج قسمت

The **quotient** of ۱۲ divided by ۳ is ۴.

خارج قسمت ۱۲ تقسیم بر ۳ برابر با ۴ است.

remainder

باقی مانده

۱۰ divided by ۳ leaves a **remainder** of ۱.

۱۰ تقسیم بر ۳ باقی مانده ۱ دارد.

و مثال:

$$۱۸ \div ۳ = ۶$$

Eighteen **divided by** three **equals** six.

هجده تقسیم بر سه مساوی است با شش.

علامت‌های ریاضی به انگلیسی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اصطلاحات ریاضی به انگلیسی، شناختن **علامت‌های ریاضی به انگلیسی** است. این علائم در کتاب‌ها، آزمون‌ها، کلاس‌های آنلاین و ویدیوهای آموزشی زیاد استفاده می‌شوند.

plus sign +

علامت جمع، علامت بعلاوه

Use the **plus sign** between the numbers.

بین عددها از علامت جمع استفاده کن.

minus sign –

علامت منفی / منها

Don't forget the **minus sign**.

علامت منفی را فراموش نکن.

multiplication sign $\times$

علامت ضرب

The **multiplication sign** means "times."

علامت ضرب یعنی «ضربدر».

division sign $\div$

علامت تقسیم

We rarely use the **division sign** in advanced math.

در ریاضی پیشرفته کمتر از علامت تقسیم استفاده می‌کنیم.

equals sign $=$

علامت مساوی

Put the **equals sign** before the answer.

قبل از جواب، علامت مساوی بگذار.

not equal to $\neq$

نامساوی

Three is **not equal to** five.

سه مساوی پنج نیست.

greater than $>$

بزرگ‌تر از

Ten is **greater than** six.

ده بزرگ‌تر از شش است.

less than $<$

کوچک‌تر از

Four is **less than** nine.

چهار کوچک تر از نه است.

greater than or equal to $\geq$

بزرگ تر یا مساوی

The number must be **greater than or equal to** zero.

عدد باید بزرگ تر یا مساوی صفر باشد.

less than or equal to $\leq$

کوچک تر یا مساوی

Your answer should be **less than or equal to** ۱۰۰.

جواب تو باید کوچک تر یا مساوی ۱۰۰ باشد.

percent sign %

علامت درصد

Write the **percent sign** after the number.

علامت درصد را بعد از عدد بنویس.

square root sign $\sqrt{}$

علامت جذر

This is the **square root sign**.

این علامت جذر است.

caret / power symbol $\wedge$

علامت توان

The **caret** is often used for powers in typing.

در تایپ معمولاً برای توان از این علامت استفاده می‌شود.

parentheses ()

پرانتز

Solve what's inside the **parentheses** first.

اول چیزی را که داخل پرانتز است حل کن.

brackets []

کروشه

Use **brackets** to group the terms.

از کروشه برای گروه بندی عبارت ها استفاده کن.

braces { }

آکولاد

Braces are often used in sets.

آکولاد معمولا در مجموعه ها استفاده می شود.

approximately equal to $\approx$

تقریبا مساوی

۳.۱۴ is approximately equal to pi.

۳.۱۴ تقریباً برابر با عدد پی است.

infinity ∞

بی‌نهایت

The line goes on to infinity.

خط تا بی‌نهایت ادامه دارد.

اعداد و انواع عددها در انگلیسی ریاضی

در ریاضی انگلیسی، فقط دانستن خود عددها کافی نیست. باید بدانید «عدد صحیح»، «عدد اعشاری»، «عدد زوج»، «عدد فرد» و دیگر انواع عددها به انگلیسی چه می‌شوند.

number

عدد

Write the **number** in the box.

عدد را داخل کادر بنویس.

digit

رقم

The number ۴۵ has two **digits**.

عدد ۴۵ دو رقم دارد.

whole number

عدد کامل / عدد صحیح غیرکسری

Seven is a **whole number**.

هفت یک عدد کامل است.

integer

عدد صحیح

Negative numbers can also be **integers**.

عددهای منفی هم می‌توانند عدد صحیح باشند.

decimal

عدد اعشاری

۲.۵ is a **decimal**.

۲.۵ یک عدد اعشاری است.

fraction

کسر

One half is a common **fraction**.

یک دوم یک کسر رایج است.

even number

عدد زوج

Eight is an **even number**.

هشت یک عدد زوج است.

odd number

عدد فرد

Seven is an **odd number**.

هفت یک عدد فرد است.

positive number

عدد مثبت

A **positive number** is greater than zero.

عدد مثبت بزرگ‌تر از صفر است.

negative number

عدد منفی

Minus five is a **negative number**.

منفی پنج یک عدد منفی است.

prime number

عدد اول

Thirteen is a **prime number**.

سیزده یک عدد اول است.

rational number

عدد گویا

A fraction is usually a **rational number**.

کسر معمولاً یک عدد گویاست.

irrational number

عدد گنگ

Pi is an **irrational number**.

عدد پی یک عدد گنگ است.

approximate number

عدد تقریبی

We only need an **approximate number**.

ما فقط به یک عدد تقریبی نیاز داریم.

نکته مهم:

number یعنی عدد، اما **digit** یعنی رقم. مثلاً عدد ۲۰۲۴ یک **number** است، اما چهار **digit** دارد.

کسر، اعشار و درصد به انگلیسی

کسرها، اعشار و درصدها از پرکاربردترین بخش‌های ریاضی هستند. در انگلیسی فقط نباید خود کلمه را بلد باشید؛ باید بتوانید آن‌ها را در جمله هم استفاده کنید.

fraction

کسر

This **fraction** is easy to simplify.

این کسر به راحتی ساده می‌شود.

numerator

صورت کسر

The **numerator** is the top number.

صورت کسر عدد بالایی است.

denominator

مخرج کسر

The **denominator** is the bottom number.

مخرج کسر عدد پایینی است.

common denominator

مخرج مشترک

Find a **common denominator** first.

اول مخرج مشترک را پیدا کن.

decimal

عدد اعشاری

Convert the fraction into a **decimal**.

کسر را به عدد اعشاری تبدیل کن.

decimal point

ممیز

Put the **decimal point** in the right place.

ممیز را در جای درست بگذار.

percentage

درصد؛ میزان درصد

What **percentage** of students passed the test?

چند درصد از دانش‌آموزان در آزمون قبول شدند؟

percent

درصد

Thirty **percent** of the class was absent.

سی درصد کلاس غایب بود.

one half

یک دوم

I ate **one half** of the cake.

من نصف کیک را خوردم.

one third

یک سوم

One third of the students chose option A.

یک سوم دانش آموزان گزینه A را انتخاب کردند.

three quarters

سه چهارم

Three quarters of the room was full.

سه چهارم اتاق پر بود.

بیشتر بخوانید: آموزش اعداد در انگلیسی

چطور کسرها را به انگلیسی بخوانیم؟

معنی فارسی	خواندن انگلیسی	کسر
یک دوم	one half	$1/2$
یک سوم	one third	$1/3$
یک چهارم	one quarter / one fourth	$1/4$
دو سوم	two thirds	$2/3$
سه چهارم	three quarters / three fourths	$3/4$
پنج هشتم	five eighths	$5/8$

$2/3$ of the students passed the exam.

دو سوم دانش آموزان در امتحان قبول شدند.

توان، ریشه و عبارت های جبری به انگلیسی

اگر می خواهید اصطلاحات ریاضی به انگلیسی را کامل یاد بگیرید، باید با کلمات مربوط به توان، ریشه، جذر، معادله و عبارت جبری هم آشنا باشید.

power

توان

Two **to the power of** three is eight.

دو به توان سه می شود هشت.

exponent

نما / توان

The **exponent** tells you how many times to multiply.

توان نشان می دهد چند بار باید ضرب کنیم.

squared

به توان دو

Five **squared** is twenty-five.

پنج به توان دو می شود بیست و پنج.

cubed

به توان سه

Three **cubed** is twenty-seven.

سه به توان سه می شود بیست و هفت.

square root

جذر

The **square root** of ۱۶ is ۴.

جذر ۱۶ برابر با ۴ است.

cube root

ریشه سوم

The **cube root** of ۲۷ is ۳.

ریشه سوم ۲۷ برابر با ۳ است.

variable

متغیر

In this equation, x is the **variable**.

در این معادله، x متغیر است.

expression

عبارت ریاضی / عبارت جبری

Simplify the **expression** before solving it.

قبل از حل کردن، عبارت را ساده کن.

equation

معادله

We need to solve this **equation**.

باید این معادله را حل کنیم.

formula

فرمول

Use this **formula** to find the area.

از این فرمول برای پیدا کردن مساحت استفاده کن.

solve

حل کردن

Solve the equation step by step.

معادله را مرحله به مرحله حل کن.

simplify

ساده کردن

Can you **simplify** this fraction?

می‌توانی این کسر را ساده کنی؟

factor

تجزیه کردن

Factor the expression if possible.

اگر ممکن است، عبارت را تجزیه کن.

expand

بسط دادن

Expand the brackets first.

اول پرانتزها را بسط بده.

چند عبارت ریاضی و نحوه خواندن آنها

$$x + 2 = 5$$

x plus two equals five

ایکس به علاوه دو مساوی پنج است.

$$3x = 12$$

three x equals twelve

سه ایکس مساوی دوازده است.

$$x^2$$

x squared

ایکس به توان دو

$$x^3$$

x cubed

ایکس به توان سه

$$\sqrt{25}$$

the square root of twenty-five

جذر بیست و پنج

$$2^3 = 8$$

two cubed equals eight

دو به توان سه مساوی هشت است.

بیشتر بخوانید: ابزارها به انگلیسی

اصطلاحات هندسه به انگلیسی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اصطلاحات ریاضی به انگلیسی، اصطلاحات مربوط به هندسه است. کلماتی مثل مساحت، قطر، شعاع، محیط، زاویه و حجم در این بخش قرار می‌گیرند.

شکل‌های هندسی به انگلیسی

shape

شکل

What **shape** is this object?

این شیء چه شکلی است؟

circle

دایره

Draw a **circle** on the board.

روی تخته یک دایره بکش.

square

مربع

A **square** has four equal sides.

مربع چهار ضلع برابر دارد.

rectangle

مستطیل

The door is shaped like a **rectangle**.

در شبیه مستطیل است.

triangle

مثلث

A **triangle** has three sides.

مثلث سه ضلع دارد.

polygon

چندضلعی

A pentagon is a **polygon**.

پنج ضلعی یک چندضلعی است.

cube

مکعب

A dice is a small **cube**.

تاس یک مکعب کوچک است.

sphere

کره

A ball is shaped like a **sphere**.

توپ شبیه کره است.

cone

مخروط

An ice cream **cone** has a cone shape.

قیف بستنی شکل مخروطی دارد.

cylinder

استوانه

A can is usually a **cylinder**.

قوطی معمولاً استوانه‌ای است.

خط، زاویه و اجزای شکل‌ها به انگلیسی

line

خط

Draw a straight **line**.

یک خط مستقیم بکش.

line segment

پاره خط

A **line segment** has two endpoints.

پاره خط دو نقطه پایانی دارد.



point

نقطه

Mark **point A** on the graph.

نقطه A را روی نمودار مشخص کن.



angle

زاویه

This **angle** is ۹۰ degrees.

این زاویه ۹۰ درجه است.



right angle

زاویه قائمه

A square has four **right angles**.

مربع چهار زاویه قائمه دارد.

side

ضلع

Each **side** of the square is ۵ cm.

هر ضلع مربع ۵ سانتی متر است.

vertex

رأس

The triangle has three **vertices**.

مثلث سه رأس دارد.

parallel

موازی

These two lines are **parallel**.

این دو خط موازی هستند.



perpendicular

عمود

The lines are **perpendicular** to each other.

خط‌ها بر هم عمود هستند.



tangent

مماس

The line is **tangent** to the circle.

خط بر دایره مماس است.

قطر به انگلیسی در ریاضی

«قطر» در ریاضی به انگلیسی **diameter** می‌شود. این کلمه مخصوصاً در هندسه و دایره‌ها زیاد استفاده می‌شود.

diameter

قطر

The **diameter** of the circle is ۱۰ centimeters.

قطر دایره ۱۰ سانتی متر است.

radius

شعاع

The **radius** is half the diameter.

شعاع نصف قطر است.

chord

وتر دایره

A **chord** connects two points on a circle.

وتر دو نقطه روی دایره را به هم وصل می کند.

circumference

محیط دایره

The **circumference** of the circle is about ۳۱.۴ cm.

محیط دایره حدود ۳۱.۴ سانتی متر است.

و یک مثال کاربردی دیگر:

The diameter is twice the radius.

قطر دو برابر شعاع است.

مساحت به انگلیسی در ریاضی

«مساحت» در انگلیسی **area** است. وقتی درباره سطح یک شکل صحبت می‌کنیم، از این کلمه استفاده می‌کنیم.

area

مساحت

Find the **area** of the rectangle.

مساحت مستطیل را پیدا کن.

perimeter

محیط

Add all the sides to find the **perimeter**.

برای پیدا کردن محیط، همه ضلع‌ها را با هم جمع کن.

volume

حجم

The **volume** of the box is ۶۰ cubic centimeters.

حجم جعبه ۶۰ سانتی‌متر مکعب است.

length

طول

The **length** of the table is two meters.

طول میز دو متر است.

width

عرض

Measure the **width** of the room.

عرض اتاق را اندازه بگیر.

height

ارتفاع

The **height** of the triangle is 8 cm.

ارتفاع مثلث ۸ سانتی متر است.

و مثالی دیگر:

The area of a rectangle is length times width.

مساحت مستطیل برابر است با طول ضربدر عرض.

بیشتر بخوانید: [لوازم التحریرها به انگلیسی](#)

فرمول‌های ریاضی به انگلیسی و نحوه خواندن آنها

در بسیاری از کلاس‌ها و ویدیوهای آموزشی، فقط دانستن کلمه‌ها کافی نیست. باید بتوانید فرمول را هم به انگلیسی بخوانید و توضیح دهید.

$$\text{Area} = \text{length} \times \text{width}$$

Area equals length times width.

مساحت مساوی است با طول ضربدر عرض.

$$\text{Perimeter} = 2 \times (\text{length} + \text{width})$$

Perimeter equals two times length plus width.

محیط مساوی است با دو ضربدر مجموع طول و عرض.

$$\text{Diameter} = 2 \times \text{radius}$$

Diameter equals two times radius.

قطر مساوی است با دو برابر شعاع.

$$\text{Volume} = \text{length} \times \text{width} \times \text{height}$$

Volume equals length times width times height.

حجم مساوی است با طول ضربدر عرض ضربدر ارتفاع.

$$\text{Speed} = \text{distance} \div \text{time}$$

Speed equals distance divided by time.

سرعت مساوی است با مسافت تقسیم بر زمان.

جمله‌های کاربردی برای توضیح فرمول

To find the area, multiply the length by the width.

برای پیدا کردن مساحت، طول را در عرض ضرب کن.

First, write down the formula.

اول فرمول را بنویس.

Then, put the numbers into the formula.

بعد عددها را داخل فرمول قرار بده.

Finally, calculate the answer.

در نهایت جواب را محاسبه کن.

Make sure you use the correct unit.

مطمئن شو از واحد درست استفاده می‌کنی.

بیشتر بخوانید: لیست کامل جملات کاربردی انگلیسی

مسئله ریاضی به انگلیسی

«مسئله ریاضی» به انگلیسی معمولا **math problem** گفته می‌شود. اگر مسئله به شکل متن و داستان باشد، به آن **word problem** می‌گویند.

math problem

مسئله ریاضی

I can't solve this **math problem**.

نمی‌توانم این مسئله ریاضی را حل کنم.

word problem

مسئله متنی

Word problems are hard for many students.

مسائل متنی برای خیلی از دانش‌آموزان سخت هستند.

question

سوال

Read the **question** carefully.

سؤال را با دقت بخوان.

answer

جواب

Write your **answer** at the end.

جواب خود را در انتها بنویس.

solution

راه حل

There is more than one **solution**.

بیش از یک راه حل وجود دارد.

method

روش

This **method** is faster.

این روش سریع تر است.

step

مرحله

Show each **step** of your work.

هر مرحله از کار خود را نشان بده.

result

نتیجه

Check your **result** with a calculator.

نتیجه‌ات را با ماشین حساب بررسی کن.

calculate

محاسبه کردن

Calculate the total cost.

هزینه کل را محاسبه کن.

work out

حساب کردن / حل کردن

Can you **work out** the answer?

می‌توانی جواب را حساب کنی؟

show your work

مراحل حل را نشان دادن

Don't just write the answer; **show your work**.

فقط جواب را ننویس؛ مراحل حل را هم نشان بده.

جمله‌های کاربردی برای حل مسئله ریاضی

What is the problem asking?

مسئله چه چیزی می‌خواهد؟

We need to find the missing number.

باید عدد گمشده را پیدا کنیم.

Let's solve it step by step.

بیایید آن را مرحله به مرحله حل کنیم.

I got a different answer.

من جواب متفاوتی گرفتم.

Check your calculation again.

محاسبات را دوباره بررسی کن.

The answer doesn't make sense.

جواب منطقی به نظر نمی‌رسد.

I made a mistake in the second step.

من در مرحله دوم اشتباه کردم.

بیشتر بخوانید: [کلمات موسیقی به انگلیسی](#)

آمار و احتمال به انگلیسی

آمار و احتمال در مدرسه، دانشگاه، تحلیل داده، تحقیق و حتی اخبار زیاد استفاده می‌شود. پس بهتر است اصطلاحات اصلی آن را به انگلیسی بلد باشید.

statistics

آمار

We studied **statistics** last semester.

ترم قبل آمار خواندیم.

probability

احتمال

What is the **probability** of rain tomorrow?

احتمال باران فردا چقدر است؟

data

داده‌ها

The **data** shows a clear trend.

داده‌ها یک روند واضح را نشان می‌دهند.

average

میانگین

The **average** score was ۷۵.

میانگین نمره ۷۵ بود.

mean

میانگین

Find the **mean** of these numbers.

میانگین این عددها را پیدا کن.

median

میانه

The **median** is the middle value.

میانه مقدار وسط است.

mode

مد / نما

The **mode** is the number that appears most often.

مد عددی است که بیشترین تکرار را دارد.

range

دامنه / بازه

Find the **range** of the data set.

دامنه مجموعه داده را پیدا کن.

chart

نمودار / جدول تصویری

The **chart** shows sales by month.

نمودار فروش ماهانه را نشان می دهد.

graph

نمودار / گراف

Draw a **graph** of the function.

نمودار تابع را رسم کن.

table

جدول

Put the data in a **table**.

داده‌ها را در یک جدول قرار بده.

ratio

نسبت

The **ratio** of boys to girls is ۲ to ۳.

نسبت پسرها به دخترها ۲ به ۳ است.

proportion

تناسب

This **proportion** is not correct.

این تناسب درست نیست.

correlation

همبستگی

There is a strong **correlation** between the two variables.

بین این دو متغیر همبستگی قوی وجود دارد.

sample

نمونه آماری

The **sample** was too small.

نمونه آماری خیلی کوچک بود.

survey

نظرسنجی / پیمایش

We collected data through a **survey**.

ما داده‌ها را از طریق یک نظرسنجی جمع‌آوری کردیم.

نکته: در انگلیسی، **average** در مکالمه و آموزش عمومی رایج‌تر است، اما در آمار رسمی معمولاً از **mean** استفاده می‌شود.

بیشتر بخوانید: زیباترین کلمات زبان انگلیسی

نمودار، محور و تابع به انگلیسی

اگر با ریاضی مدرسه، آمار، تحلیل داده یا حتی اقتصاد سروکار دارید، حتماً با کلماتی مثل نمودار، محور، تابع و شیب خط روبه‌رو می‌شوید.

graph

نمودار

The **graph** shows a steady increase.

نمودار یک افزایش پیوسته را نشان می‌دهد.

chart

نمودار / چارت

This **chart** compares the results.

این نمودار نتایج را مقایسه می‌کند.

diagram

شکل / نمودار توضیحی

Look at the **diagram** on page ۲۰.

به شکل صفحه ۲۰ نگاه کن.

axis

محور

Label each **axis** clearly.

هر محور را واضح نام‌گذاری کن.

x-axis

محور ایکس / محور افقی

Time is shown on the **x-axis**.

زمان روی محور افقی نشان داده شده است.

y-axis

محور ایگرگ / محور عمودی

Price is shown on the **y-axis**.

قیمت روی محور عمودی نشان داده شده است.

coordinate

مختصات

Write the **coordinates** of point A.

مختصات نقطه A را بنویس.

point

نقطه

Plot the **point** on the graph.

نقطه را روی نمودار رسم کن.

slope

شیب

The **slope** of this line is ۲.

شیب این خط ۲ است.

function

تابع

This **function** has two variables.

این تابع دو متغیر دارد.

domain

دامنه تابع

Find the **domain** of the function.

دامنه تابع را پیدا کن.

range

برد تابع

The **range** includes all possible outputs.

برد شامل همه خروجی‌های ممکن است.

curve

منحنی

The **curve** rises slowly at first.

منحنی در ابتدا به آرامی بالا می‌رود.

trend

روند

The graph shows an upward **trend**.

نمودار یک روند صعودی را نشان می‌دهد.

اصطلاحات پیشرفته‌تر ریاضی به انگلیسی

اگر سطح زبان یا ریاضی شما کمی بالاتر است، این اصطلاحات هم می‌توانند بسیار کاربردی باشند؛ مخصوصاً برای مطالعه منابع انگلیسی، ویدیوهای آموزشی یا درس‌های دانشگاهی.

algebra

جبر

Algebra uses letters as variables.

جبر از حروف به عنوان متغیر استفاده می‌کند.

geometry

هندسه

Geometry is about shapes, lines, and angles.

هندسه درباره شکل‌ها، خط‌ها و زاویه‌هاست.

calculus

حسابان / حساب دیفرانسیل و انتگرال

Calculus is important in engineering.

حسابان در مهندسی مهم است.

trigonometry

مثلثات

Trigonometry studies angles and triangles.

مثلثات زاویه‌ها و مثلث‌ها را بررسی می‌کند.

derivative

مشتق

The **derivative** shows the rate of change.

مشتق نرخ تغییر را نشان می‌دهد.

integral

انتگرال

We learned how to calculate **integrals**.

یاد گرفتیم چطور انتگرال‌ها را محاسبه کنیم.

limit

حد

Find the **limit** as x approaches zero.

حد را وقتی x به صفر نزدیک می‌شود پیدا کن.

matrix

ماتریس

The data is stored in a **matrix**.

داده‌ها در یک ماتریس ذخیره شده‌اند.

vector

بردار

A **vector** has size and direction.

بردار اندازه و جهت دارد.

scalar

کمیت نرده‌ای / اسکالر

Temperature is a **scalar** quantity.

دما یک کمیت اسکالر است.

determinant

دترمینان

Find the **determinant** of the matrix.

دترمینان ماتریس را پیدا کن.

theorem

قضیه

We used this **theorem** to prove the result.

از این قضیه برای اثبات نتیجه استفاده کردیم.

proof

اثبات

The **proof** is written on the board.

اثبات روی تخته نوشته شده است.

افعال پرکاربرد ریاضی به انگلیسی

در ریاضی فقط اسم‌ها مهم نیستند. خیلی وقت‌ها باید بتوانید بگویید «محاسبه کن»، «ساده کن»، «حل کن»، «مقایسه کن» یا «تبدیل کن».

calculate

محاسبه کردن

Calculate the final price.

قیمت نهایی را محاسبه کن.

solve

حل کردن

Solve the equation for x.

معادله را برای x حل کن.

work out

حساب کردن / حل کردن

I can't **work out** the answer.

نمی‌توانم جواب را حساب کنم.

add

جمع کردن

Add ۱۰ to your answer.

۱۰ را به جواب خود اضافه کن.

subtract

کم کردن

Subtract ۴ from ۲۰.

۴ را از ۲۰ کم کن.

multiply

ضرب کردن

Multiply both sides by ۳.

هر دو طرف را در ۳ ضرب کن.

divide

تقسیم کردن

Divide the total by ۵.

مجموع را بر ۵ تقسیم کن.

simplify

ساده کردن

Simplify the expression.

عبارت را ساده کن.

factor

تجزیه کردن

Factor the equation first.

اول معادله را تجزیه کن.

expand

بسط دادن

Expand the brackets.

پرانتزها را بسط بده.

estimate

تخمین زدن

Estimate the answer before calculating.

قبل از محاسبه، جواب را تخمین بزن.

measure

اندازه گرفتن

Measure the length of the table.

طول میز را اندازه بگیر.

compare

مقایسه کردن

Compare the two results.

دو نتیجه را مقایسه کن.

convert

تبدیل کردن

Convert the fraction to a decimal.

کسر را به عدد اعشاری تبدیل کن.

prove

اثبات کردن

Prove that the two triangles are equal.

ثابت کن که دو مثلث برابر هستند.

بیشتر بخوانید: آموزش کامل افعال انگلیسی

جمله‌های کاربردی انگلیسی در کلاس ریاضی

برای یادگیری واقعی اصطلاحات ریاضی به انگلیسی، باید بتوانید آن‌ها را در جمله‌های طبیعی و واقعی استفاده کنید. جمله‌های زیر در کلاس، ویدیوهای آموزشی و تمرین‌های ریاضی بسیار کاربردی هستند.

جمله‌های معلم ریاضی به انگلیسی

Open your books to page ۳۵.

کتاب‌هایتان را صفحه ۳۵ باز کنید.

Let's start with a simple example.

بیایید با یک مثال ساده شروع کنیم.

Read the question carefully.

سوال را با دقت بخوانید.

Show your work, not just the answer.

مراحل حل را نشان دهید، نه فقط جواب را.

Check your answer before you move on.

قبل از اینکه ادامه دهید، جوابتان را بررسی کنید.

Use the formula we learned yesterday.

از فرمولی که دیروز یاد گرفتیم استفاده کنید.

Don't forget the unit.

واحد را فراموش نکنید.

Let's solve this together.

بیایید این را با هم حل کنیم.

جمله‌های دانش‌آموز در کلاس ریاضی

I don't understand this step.

این مرحله را متوجه نمی‌شوم.

Can you explain it again?

می‌توانید دوباره توضیح دهید؟

I got a different answer.

من جواب متفاوتی گرفتم.

Where did I make a mistake?

کجا اشتباه کردم؟

Do we need to use this formula?

باید از این فرمول استفاده کنیم؟

Is this answer correct?

آیا این جواب درست است؟

I forgot how to solve this type of problem.

یادم رفته چطور این نوع مسئله را حل کنم.

Can I use a calculator?

می‌توانم از ماشین حساب استفاده کنم؟

جمع‌بندی

اصطلاحات ریاضی به انگلیسی فقط شامل چند کلمه ساده مثل **plus, minus, multiply** و **divide** نیستند. برای فهمیدن کامل ریاضی به زبان انگلیسی، باید با واژگان مربوط به عملیات ریاضی، علامت‌ها، کسر، اعشار، درصد، هندسه، جبر، آمار، احتمال، نمودارها و جمله‌های کاربردی کلاس ریاضی آشنا باشید.

اگر این اصطلاحات را همراه با مثال یاد بگیرید، هم سوال‌های ریاضی انگلیسی را بهتر می‌فهمید، هم می‌توانید راه‌حل‌ها و فرمول‌ها را دقیق‌تر توضیح دهید. بهترین روش این است که هر اصطلاح را در یک جمله واقعی ببینید و چند بار با صدای بلند تکرار کنید تا در ذهن شما فعال شود.

سوالات متداول

ریاضی به انگلیسی چه می‌شود؟

ریاضی در انگلیسی آمریکایی معمولاً **math** و در انگلیسی بریتانیایی **maths** گفته می‌شود. شکل رسمی‌تر آن هم **mathematics** است.

مساحت به انگلیسی در ریاضی چیست؟

مساحت در انگلیسی **area** می‌شود.

مثال:

.Find the area of the rectangle

مساحت مستطیل را پیدا کن.

قطر به انگلیسی در ریاضی چیست؟

قطر به انگلیسی **diameter** است.

مثال:

.The diameter of the circle is ۱۰ centimeters

قطر دایره ۱۰ سانتی‌متر است.

مسئله ریاضی به انگلیسی چه می‌شود؟

مسئله ریاضی به انگلیسی **math problem** گفته می‌شود. اگر مسئله به صورت متنی و داستانی باشد، می‌توان گفت **.word problem**.